

وارن مونتگ

بازگشت [به] اسپینوزا

بدن‌ها، توده‌ها، قدرت

ترجمه‌ی

فؤاد حبیبی



فهرست

۹	پیش‌گفتار مترجم
۲۵	سیاسگزاری
۲۷	یادداشتی بر ارجاعات به اسپینوزا
۲۹	دیباچه
۴۳	فصل یکم: کتاب مقدس و طبیعت: مادیت نص کلام فصل دوم: دیدن بهتر و انجام دادن بدتر: چرا انسان‌ها با همان تهووری برای بندگی‌شان می‌جنگند
۷۹	که برای رستگاری‌شان؟
۱۳۱	فصل سوم: بدن انبوه خلق
۱۷۳	فصل چهارم: هابز و لاک
۱۷۳	۱. هابز: انبوه خلق نمی‌تواند دست به عمل بزند ۲. اسپارتاکوس در مقام خودکامه:
۱۹۱	ترس لاک از انبوه خلق
۲۲۷	کتاب‌شناسی
۲۳۵	نمایه نام‌ها

پیش‌گفتار مترجم



بازگشت به اسپینوزا، بازگشت اسپینوزا: دست‌آخر شه‌ریار مسلح

ما باید به اسپینوزا بازگردیم، زیرا برداشت وی از هستی هرگونه یوتوپیا را طرد می‌کند، یا، به عبارت دقیق‌تر، زیرا این برداشت قسمی دیستوپای ژرف، مستمر و ثابت را آموزش می‌دهد که در چارچوب آن امید برای دگرگونی انقلابی همچون بُعدی از واقعیت، همچون سطحی ظاهری از حیات، حاضر است.¹

یکی از خصایل مشترک تمامی قرائت‌های مختلف و رنگارنگ نئواسپینوزیسم، از آلتوسر و شاگردانش گرفته تا دولوز و متفکران نزدیک به او و هم‌چنین ماترون و شارحان متأثر از وی، تأکید گذاشتن بر معاصر بودن اسپینوزاست. اما معاصر بودن اسپینوزا به چه معناست؟ یکی از پاسخ‌های رایج در این باره اشاره به بحران تفکر رهایی‌بخش است. اما اگر بخواهیم از خود اسپینوزا پیروی کنیم، هم‌زمان با معاصر بودن و احیای وی در صفت تفکر، باید به دلایل ظهور این پدیده در صفت امتداد و جهان بدن‌ها نیز اشاره کنیم. این جاست که پای مجموعه‌ای از مباحث در باب تعریف و تبیین نظم کنونی به میان می‌آید که بسی بهتر از صرف

1. Antonio Negri, *Subversive Spinoza: (Un) Contemporary Variations*, Translated by timothy s. murphy, michael hardt, ted stolze and charles t. wolfe (Manchester University Press, Manchester: 2004): 95-6.